

براي انقلاب كردن بحزبي انقلابي احتياج است. بدون يك حزب انقلابي ، بدون حزب انقلابي ايکه براساس تنوري انقلابي مارکسيزم-لنينيزم (- مائوييزم) وبه سبک انقلابي مارکسيستي - لنينيستي(- مائويستي) پايه گذاري شده باشد، نمي توان طبقه کارگر و توده هاي وسيع مردم را براي غلبه بر امپرياليزم و سگهاي زنجيري اش رهبري کرد .  
( مائوتسه دون )



ارگان مرکزی

حزب کمونیست افغانستان

سال 1374

ماه ثور

دوره دوم

شماره چهاردهم

به مناسبت روز بين المللي کارگران  
جهان و چهارمين سالروز تاسيس حزب  
کمونيست افغانستان

### به پیش در راه برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان

فرارسیدن اول مه 995 (1374) روز بین المللی کارگران جهان رابه تمامی کارگران و کمونیست های انقلابی جهان، منجمله کارگران و کمونیست های انقلابی افغانستان، تبریک می گوئیم .  
اول مه 1995 ( 1374 ) مصادف است با چهارمین سالروز تاسیس حزب ما - حزب کمونیست افغانستان - و فرارسیدن این روز را به تمامی کمونیست های افغانستان و جهان، خاصتا اعضای حزب کمونیست افغانستان و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تهنیت میگوئیم .  
حزب کمونیست افغانستان ، با سپری شدن چهارسال از زمان ایجادش ، بو وظایف و مسئولیت های فوق العاده جدي و تعیین کننده مبارزاتي مواجهه است؛ وظایف و مسئولیت های چگونگی اجرای آنها برسریر تحولات سیاسی حال و آینده جامعه ما تاثیر گذاشته و توش وتوان حزب ما را درپیشروی به جاده انقلاب دموکراتیک نوین و مشخصا در گذار از مرحله تدارک به مرحله برپائی و پیشبرد جنگ خلق ، رقم خواهد زد .  
باگذشت سه سال از حاکمیت پر از جنایت، وحشی گری و ویرانگری اسلامی های جهادی و غیر جهادی اکنون ضرورت بر افراشتن درفش مستقلانه نبرد انقلابی، بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می دهد . این ضرورت را باید بصورت بسیار جدي در یابیم ودر راه تحقق آن با تمام قوت وتوان کوشا باشیم .

حزب ما چگونه باید به این ضرورت پاسخ بگوید ؟ واضح است که از طریق جدي ساختن هرچه بیشتر کاروویکارتداری برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان. از آنجای که محور عمده

فعالیت های تدارکی مرحله فعلی را " ساختمان و استحکام ساختمان حزب ... " تشکیل میدهد، جدیت در امر تدارک فعلا بصورت عمده عبارت است از : جدیت در " ساختمان و استحکام ساختمان حزب ... "

اشکال گوناگون فعالیت ها و کار و پیکار احزاب و هواداران حزب، چه در خود کشور و چه در خارج، باید تابع شعار عمده مرحله فعلی مبارزات حزب بوده و در خدمت آن قرار داشته باشند. هر حرکت و فعالیتی که به امر " ساختمان و استحکام ساختمان حزب ... " ضرر برساند و یا در خدمت آن قرار نداشته باشد - در ذات خود هر چه می خواهد باشد - زیان آور و غیر مفید خواهد بود . حزب ما ، با اساس قرار دادن کار و پیکار تدارکی برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان ، مرز تمایز روشنی میان خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و خطوط اپورتونیستی و تسلیم طلبانه ترسیم نموده است .

حزب ، انحلال طلبی مسلحانه یعنی جنگیدن برای نیروهای ارتجاعی و ارائه خدمات جنگی بآنها در ازاء امکانات تسلیحاتی و پولی و یا مقام و قدرت شخصی را نظرا و عملا مردود اعلام کرده است . اساس کار و پیکار " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق " عبارت است از فعالیت های مستقل حزب کمونیست و سایر انقلابیون و منجمله فعالیت های تدارکی مستقل نظامی . درین مورد نباید به شکل گرایبی صرف فروغاطید، بلکه باید بصورت عمده مضمون فعالیت ها را در نظر گرفت بدون اینکه شکل آنها نادیده گرفته شود .

از جانب دیگر، حزب کمونیست افغانستان ، با آن بینش پاسفییستی که مبارزه جهت " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق " را با انحلال طلبی مسلحانه و در نتیجه با جنگ های ارتجاعی جاری در کشوریکی دانسته و بادید واحدی بآنها می نگرد، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی مرز بندی روشن نموده است . این چنین بینشی که در اساس تمایز میان جنگ عادلانه و جنگ غیر عادلانه را نادیده می گیرد و درفش سرخ را بصورت یک شعار مطلق بلند می نماید، در اصل متعلق به کسانی است که امروز دیگر آشکارا سنگ مبارزات کمونیستی و انقلابی را " بوسیده " و دور انداخته اند و با " فریاد " دموکراسی غربی به بارگاه امپریالیست ها رو آورده اند .

معهدا یک نوع پاسیفیزم " چپ روانه " و با ظاهر باصطلاح کمونیستی نیز وجود دارد که با امر " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق " مخالفت می ورزد و بجای آن ضرورت مصالحه و تحقیق " پیشرفته " را در شرایط باصطلاح پیشرفته کشور های امپریالیستی پیش می کشد. این نوع پاسیفیزم را کسانی حمل می نمایند که باصطلاح " کمونیزم کارگری " دارودسته منصور حکمت را روکش فرار طلبی و خارجه نشینی شان ساخته اند و حتی عناصری از آنها " افتخار " عضویت " حزب کمونیست کارگری ایران " را نیز حاصل کرده اند . اینها مواضع حزب در مورد " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق " و کلا استراتژی جنگ خلق را ، مواضع عقب مانده و ناسیونالیستی می دانند و " انترناسیونالیزم " خاص خود شان را که چیزی جز انتظار برای رشد بورژوازی توسط امپریالیستها در افغانستان نیست ، بجای آن می نشانند .

بهترین و عمده ترین خدمتی را که حزب کمونیست افغانستان می تواند - و باید - برای جنبش بین المللی کمونیستی و مشخصا جنبش انقلابی انترناسیونالیستی انجام دهد، به پایان رساندن اصولی و هر چه سریعتر پروسه تدارک و برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان به منظور پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و گذار به سوسیالیزم در افغانستان و حرکت بسوی جامعه جهانی کمونیستی است. مرانامه حزب، در این مورد، در مبحث انترناسیونالیزم پرولتاری، بصورت فوق العاده روشن و گویا بیان می دارد :

" سهم کمونیست های کشور های معین برای ادای وظایف انترناسیونالیستی شان قبل از همه عبارت از تجزیه و تحلیل درست اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور های شان بر پایه تحلیل درست طبقاتی

و پیشبرد مبارزه انقلابی پرولتری با اتکاء به اصول عام مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم می باشد. کمونیست های تمامی کشورها وظیفه دارند با پیشبرد وظایف انقلابی و به پیروزی رساندن انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی کشور های خود را به پایگاه های نیرومندی برای پیشبرد انقلاب جهانی تبدیل نمایند. آنها فقط باین صورت می توانند از در غلطیدن به ناسیونالیسم و یا فروگذاری وظیفه پیشبرد مبارزه برای انقلاب در کشور خود شان احتراز جویند.

تا آنجایی که به تحلیل از اوضاع کشور مربوط است، حزب ما - چه در سطح مرامنامه و چه در سطح ارگان مرکزی و سایر نشراتش - دارای یک تجزیه و تحلیل اصولی و جامعه می باشد. این تجزیه و تحلیل پایه ایدئولوژیک - سیاسی محکمی برای پیشبرد مبارزات انقلابی حزب فراهم آورده است، مبارزاتی که پیشبرد آنها بنوبه خود، مواضع ایدئولوژیک - سیاسی حزب را غنای بیشتری خواهد بخشید و تجزیه و تحلیل ما را از اوضاع عمیق تر خواهد ساخت.

اکنون چه از لحاظ سیر تحولات اوضاع کشور و جهان، چه از لحاظ وظایف و مسئولیت های مبارزاتی کشوری و بین المللی حزب و چه از لحاظ سیر پیشرفت مبارزات حزب در طی چهار سال گذشته و تضمین مطمئن و اصولی تداوم آن در آینده، با اجرای وظیفه عمده و مشخص عملی مرحله فعلی مبارزات مان مواجه ایم و آن عبارت است از: " **ساختمان و استحکام ساختمان حزب ...** " در راستای " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان " .

آیا ما قادر به اجرای این وظیفه عملی مبارزاتی مان هستیم؟ علیرغم شك و تردید ها و بالاتر از آن انکار ورزی های که از سوی انحلال طلبان رنگارنگ و نیز از سوی مرتجعین حاکم درین مورد به میان کشیده می شوند، باید با قاطعیت بگوئیم که آری، ما کاملاً قادریم وظیفه " **ساختمان و استحکام ساختمان حزب ...** " را موفقانه به پایان رسانیم و در مسیر " تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان " به پیشروی ادامه دهیم.

شك و تردید ها و انکار ورزی های انحلال طلبان و مرتجعین، در اساس متکی به تئوری مزخرف " شکست کمونیسم در جهان و افغانستان " بوده و ازین باور کاذبانه مایه می گیرد که کمونیست ها زمینه ای برای پیشبرد مبارزات شان در اختیار ندارند؛ در حالیکه موجودیت پیشرونده حزب کمونیست افغانستان و مبارزاتش و مشخصاً افشاگری های پیهم و مداوم حزب علیه رژیم ارتجاعی و دارودسته های مرتجع حاکم، خود دلیل روشنی بر رد بافته های خیالی انحلال طلبان و مرتجعین است. از لحاظ اجرای وظیفه عمده مرحله فعلی یعنی " **ساختمان و استحکام ساختمان حزب ...** " نیز باید بگوئیم که این وظیفه تاحدود معینی ایفا گردیده و حزب با همت و پشتکار مبارزاتی اعضای پیشرو و فداکار خود، بطور قطع و یقین بسوی انجام کامل آن پیش خواهد رفت.

این يك واقعیت روشن و انکار ناپذیر است که امروز شرایط برای پیشبرد مبارزات انقلابی در افغانستان بخوبی مساعد است. دسته های مرتجع حاکم به شدت مورد نفرت اقشار و طبقات مختلف مردم قرار دارند، حاکمیت ارتجاعی، متشنّت و متفرق است و باندهای مختلف آن با شدت و وحشیگری به دریدن و پاره کردن هم مصروف اند و با گذشت هر روز، بیشتر از پیش همدیگر را تضعیف می نمایند، در مناطق معینی از کشور شیرازه نظامی و تشکیلاتی باندهای ارتجاعی اساساً از هم فروپاشیده و به درجات مختلفی خلاء قدرت سیاسی بوجود آمده است و ... و ... اما اینکه علیرغم موجودیت این چنین شرایط مساعدی، تاحال قطب مبارزات انقلابی شدیداً از حد مورد لزوم ضعیف تر باقی مانده است، دلیلی بر عدم موجودیت شرایط مساعد برای پیشبرد مبارزات انقلابی در کشور محسوب نمی گردد، بلکه این حالت، ضرورت جدی و فوری اجرای وظایف و مسئولیت های مبارزاتی انقلابیون کشور و مشخصاً ما کمونیست ها را خاطر نشان می سازد.

درواقع یکی از دلایل مهم ضعف قطب مبارزات انقلابی در کشور، پشت کردن کامل عده زیادی از گروه ها و افرادی به انقلاب و مبارزات انقلابی است که تا دیروز بنحوی از انحاء و در سطوح

مختلف به این قطب تعلق داشتند . این پشت کردن کامل به انقلاب نه تنها ایدئولوژیک - سیاسی ، ، تشکیلاتی و نظامی است، بلکه فرارطلبی و گریز به کشورهای امپریالیستی را نیز شامل می شود . در مورد تسلیم طلبی های ایدئولوژیک - سیاسی ، تشکیلاتی و نظامی در شماره های قبلی ارگان مرکزی حزب و نیز در جزواتی که تا حال توسط حزب منتشر گردیده اند، تجزیه و تحلیل های مفصل و مبسوطی به عمل آمده است که فعلا به آن نمی پردازیم . اما در مورد فرار طلبی و گریز به کشورهای امپریالیستی لازم است به مسایل معینی اشاره نمایم .

حزب با تاکید روی ضرورت فوری واضطراری و موجودیت امکان عملی پیشبرد مبارزات انقلابی در کشور و طرح شعار " ساختمان و استحکام ساختمان حزب ... " نه تنها نظرا و عملا در تقابل با گرایش فرار به کشورهای امپریالیستی قرار گرفته بلکه سمت حرکت اعضاء و هوادارانش در خارج از کشور را نیز بطرف داخل تعیین نموده است . در واقع حزب از ابتدای تشکیلش تا حال با فرار اعضاء و هوادارانش و نیز فرار سایر عناصری که مدعی انقلابیگری و ملی دموکرات بودن هستند ، به کشورهای امپریالیستی ، مخالفت ورزیده است . به همین جهت در طول چهار سال گذشته هیچ موردی ازین فرار در سطوح اعضایی حزب پیش نیامده و در بین هواداران نزدیک صرفا یک مورد وجود داشته است .

اما متأسفانه در بیرون از حزب، در میان مدعیان انقلابی گری و ملی - دموکرات بودن ، گرایش فرار به کشورهای امپریالیستی - چه راسا از داخل کشور و چه از طریق کشور های همسایه بسیار شدید است و کمتر کسی را می توان سراغ نمود که در بیرون از جواین گرایش قرار داشته باشد . تعداد زیادی ازین افراد در طول سالهای گذشته فرار را برقرار ترجیح داده اند و تعداد زیاد دیگری نیز برای تحقق دسترسی به " بهشت کشورهای پیشرفته " عملا تپ و تلاش دارند و یا برای آن نقشه میکشند . این گرایش نامردمی نه تنها دامن افراد عادی بلکه دامن رهبران و گردانندگان گروه های منجمله گذشته را نیز گرفته و در واقع نوعی مسابقه میان شان بوجود آورده است . چرا ما این گرایش را نامردمی می دانیم ؟

اولا بدین خاطر که میدان را برای دارودسته های ارتجاعی خالی کردن و خالی گذاشتن نوعی کمک رسانی بآنها است و ثانيا بدین خاطر که اکثریت قریب باتفاق فرارهای فاقد دلایل سیاسی و امنیتی بوده و عامل سیاسی آنها را روحیه دستیابی به زندگی آرام و مرفه در کشورهای امپریالیستی تشکیل می دهند . البته اکثریت اینگونه افراد ، مادامی که در داخل کشور و یا در کشورهای همسایه بسر می برند، نیز در اساس بخاطر ترس و جبن شان ، کاری جز خدمت به مرتجعین و امپریالیست ها انجام نمی دهند ، ولی برای توجه این گونه حرکات شان دلایل سیاسی نیز می تراشند . اما مورد فرار به کشورهای امپریالیستی ، دیگر آنقدر روشن گویا هست که بویژه در برخورد با اعضایی حزب، جرئت توجیه و دلیل تراشی برای آن را ندارند اکثرا تا آخرین لحظات آنرا مخفی نگه می دارند و حتی بصورت مخفیانه و بدون وداع عزیمت می نمایند .

درین اواخر بازار پذیرش " پناهندگان شعله ای " در کشورهای اسکاندیناویایی اروپا بسیار پر رونق گردیده است . بهمین جهت تعداد زیادی از نادمین قبلا منسوب به جریان شعله جاوید که سالهای سال گرد شعله ای گری خط کشیده و حتی به قیمت خضوع و خشوع در مقابل ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیستی و رژیم مزدور باند های خلق و پرچم ، سر به سلامت برده بودند، از نودوق و شوق شعله ای گری پیدا کرده اند که در مورد مسایل مربوط به جریان دموکراتیک نوین علاقه نشان می دهند . این ذوق و شوق بی پایه و بی اساس نیست !! چرا که در همین اواخر یک تعداد افراد باصرف مبالغ بسیار بسیار هنگفتی خود را به سویدن ، ناروی و یا دنمارک رسانده اند و بنام شعله ای در آن کشور ها به سهولت و آسانی پناهندگی گرفته اند . حتی شنیده شده که کسانی فرصت طلبانه بنام حزب کمونیست افغانستان پناهندگی گرفته اند و تسهیلات تحصیلی و غیره برای

شان فراهم نموده اند . ما این معامله گری بنام حزب را قویا محکوم مینمائیم و به هر قیمتی شده باشد جلو آنرا خواهیم گرفت و اجازه نخواهیم داد این معامله گری دوام نماید، چون در صورت دوام ممکن است معامله گری های مزیدی بنام حزب صورت بگیرد .

رفقای حزب در مورد افراد و اشخاصی که بخاطر فراهم آوری تسهیلات برای پذیرش پناهندگی شان در کشور های امپریالیستی می خواهند از نوشعله ای شوند، باید هوشیار و آگاه باشند و بهیچ صورت اجازه ندهند که فرار طلبان از آنها برای افزایش معلومات شان سوء استفاده نمایند .

طرح این مسایل به هیچ صورت باین معنی نیست که حزب صورت هرگونه فعالیت و کارپیکار مبارزاتی انقلابی رادرکشورهای امپریالیستی منتفی می داند . درواقع پیشبرد فعالیت های مبارزاتی معینی در خارج از کشور و منجمله درکشور های امپریالیستی کاملا ضروری و مهم می باشد . اما درین موردچند نکته مهم و ضروری باید کاملا مد نظر قرار بگیرد :

1 - این فعالیت های باید حتما در خدمت به فعالیت های انقلابی داخل کشور قرار داشته و تابع آنها باشد و نه اینکه بصورت کاملا مستقل در نظر گرفته شود ، چرا که درآنصورت این فعالیت ها مربوط به جنبش انقلابی افغانستان نبوده و بهتر است که بنام مبارزات انقلابی همان کشور میزبان و یا فعالیت های جنبش بین المللی پیشبرده شود .

2 - این فعالیت ها نباید بستری شود برای توجیه خارجه نشینی و یا فرار عده ای که می خواهند " هم لعل بدست آید و هم دل یارنرنجد " ، یعنی هم از دوردستی باآتش داشته باشند و هم هیچ خار و خسی به پای شان نخلد و تازه درچنین حالتی اگر زورشان برسد دیگران را نیز از میدان معرکه بیرون نموده و بسوی خود بکشانند .

3 - کسانیکه از سالها باین طرف با واقعیت های عینی وذهنی داخل افغانستان از نزدیک وبصورت مستقیم در تماس نبوده اند ، نباید بخود حق دهند که درمورد پیشبرد مبارزات انقلابی درافغانستان رهنمود صادر نمایند ، بلکه درعوض لازم است که غرور بیجا و نخوت بی مایه راکنار گذاشته و برای اجرای رهنمود های مبارزاتی جنبش انقلابی داخل کشور و مشخصا رهنمود های حزب کمونیست افغانستان کمر همت ببندند .

4 - حساسیت نشان دادن در مقابل مواضع حزب مبنی برمخالفت باخارجه نشینی و فرار بخارج، توسط افراد مقیم در خارجه بیش از پیش محکوم بوده و نشانه های از کبر و نخوت روشنفکرانه محسوب می گردد . اینها بجای حساسیت نشان دادن باید واقعیت ها و حقایق را بپذیرند و با مسایل سرنوشتی مردمان کشور با فروتنی برخورد نمایند .

## زنده باد جنگ خلق در پرو

درفش ظفر نمون جنگ خلق در پرو همچنان در اهتزاز است . حزب کمونیست افغانستان صمیمانه ترین درود های رفیقانه خود را به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو ، اعضای رزمنده حزب ، جنگجویان ارتش چریکی خلق و توده های تحت رهبری حزب تقدیم نموده و حمایت بیدریغ خود را از امر سترگ و انقلابی دوام و پیشبرد جنگ خلق در پرو اعلام می نماید .

مرتجعین پروئی و امپریالیست های حامی شان و بویژه امپریالیست های یانکی ، انتظارداشتند که با دستگیری رفیق گونزالو و عده دیگری از رهبران حزب کمونیست پرو ، درفش جنگ خلق سرنگون شده و خطری که نظام شان را تهدید می نماید، کاملا از میان برود . اما این انتظار برآورده نشد و جنگ خلق ، علیرغم تحمل صدمات معینی ادامه یافت . ادامه جنگ خلق در پرو ، آسایش مرتجعین پروئی و امپریالیست های حامی شان را برهم میزند ، به انقلاب جهانی خدمت می نماید و باعث دل گرمی و قوت قلب انقلابیون در سراسر جهان می گردد .

انقلاب پرو همانند انقلاب در هر کشور دیگر، نه تنها با سیاست های سرکوب گرانه مستقیم مرتجعین و امپریالیست ها روبرو است، بلکه با اپورتونیزم و تسلیم طلبی از درون صفوف انقلاب نیز در حال مصاف بوده و هست. اکنون در پرو این اپورتونیزم و تسلیم طلبی در قالب خط " مذاکره برای صلح " که عمدتاً از درون زندان های ارتجاع سر بلند کرده، مذبحخانه می کوشد در مقابل ادامه انقلاب مانع ایجاد نماید.

حزب کمونیست افغانستان عمیقاً برین باور است که:

1 - خط " مذاکره برای صلح " نه تنها اپورتونیستی و تسلیم طلبانه است، بلکه ذهن گرایانه نیز می باشد. تسلیم طلبانه است زیرا که در آخرین تحلیل خواهان برچیدن جنگ خلق است و نه دوام و پیشرفت آن؛ تسلیم طلبانه است زیرا که عمدتاً ناشی از بی تابی و بی ایمانی عده ای در مقابل شرایط سخت زندان است. بر علاوه این خط ذهنیت گرایانه است زیرا که پایه عینی ایجاد آن به صورت عمده شرایط سخت و بسته زندانها بوده و در حقیقت تعمیم ذهن گرایانه این شرایط به تمام پیرو و تمام جهان می باشد.

2 - ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پرو هم ضرور است و هم ممکن. این ضرورت و امکان را هم در شرایط داخلی پرو و هم در شرایط بین المللی می توان به روشنی و وضوح مشاهده نمود. انقلاب پرو و کل انقلاب جهانی به ادامه و پیشبرد این جنگ خلق نیاز دارد. حفظ دستاورد های مبارزاتی حزب کمونیست پرو و خلق پرو و تعمیق و گسترش بیشتر آنها، نیازمند ادامه و پیشبرد جنگ خلق است. حتی می توان گفت که بدون جنگ خلق، نه حزب کمونیستی به معنی حقیقی آن وجود خواهد داشت و نه مبارزه انقلابی خلق، بلکه آنچه بر جای خواهد ماند یک حزب ریفرمیست و پارلمانتاریست و یک مبارزه ریفرمیستی و پارلمانتاریستی خواهد بود. بدون جنگ خلق در پرو، خلق پرو هیچ چیز نخواهد داشت و هیچ چیزی بدست نخواهد آورد و انقلاب جهانی نیز سنگر عمده فعلی اش را در اختیار نخواهد داشت.

مهمترین عنصر در شرایط داخلی پرو، موجودیت یک حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست - مائوئیست مصمم و قادر به ادامه و پیشبرد جنگ خلق و توده های تحت رهبری آن است. نظام ارتجاعی حاکم در پرو از لحاظ اقتصادی همچنان بحران زده است و هر دم به تشدید استثمار توده ها می پردازد و دموکراسی پارلمانی آن صرفاً روپوشی نازکی است بر چهره استبدادی و سرکوب گرانه رژیم حاکم. جنگ خلق در پرو برای ادامه و پیشروی اش امکان کافی در داخل پرو در اختیار دارد. جهان امروز برای امپریالیست ها نه مامن امن و راحت، بلکه عرصه ناامنی ها و ناراحتی های روز افزون است. بزرگترین قدرت های امپریالیستی یعنی ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و میراث خوار ابر قدرت متلاشی شده سوسیال امپریالیزم شوروی یعنی امپریالیزم روسیه در درون کشورهای شان با درگیری های مسلحانه و جنگ دست و گریبان اند. نظم نوین جهانی مورد خواست امپریالیست ها بویژه امپریالیزم یانکی اکنون دیگر عملاً به امر پوچی مبدل گردیده است. فرو پاشی بلوک امپریالیستی شرق و تجزیه " شوروی " برای نظام امپریالیستی جهانی، یک دوره رونق و شگوفائی اقتصادی را در پی نداشت، بلکه بحران همچنان ادامه یافته است. بابرهم خوردن صف بندی قبلی متقابل امپریالیست ها علیه همدیگر، اکنون صف بندی متقابل جدیدی میان شان در حال شکل گیری است. " حفظ نظم جهانی "، " تأمین حقوق بشر " و " گسترش دموکراسی در جهان " شعارهایی اند که امروز آشکارا در خدمت سیاست های سرکوبگرانه امپریالیستی و تشدید استثمار جهانی قرار دارند. طبقه کارگر و سایر توده های زحمتکش در داخل کشورهای امپریالیستی بیشتر از پیش تحت فشار استثمار و محرومیت های ناشی از " اقتصاد بازار آزاد " قرار میگیرند. خلاصه تمامی تضادهای اصلی نظام سرمایه داری امپریالیستی که ذاتی این نظام است همچنان موجود بوده و مجموعاً در حال تشدید اند. این چنین شرایطی مبارزات

متعدد علیه امپریالیستها و مرتجعین را در سراسر جهان دامن می زند و زمینه های مساعدی برای برپائی و پیشبرد مبارزات انقلابی و مشخصا بر پائی و پیشبرد جنگ خلق در کشورهای مختلف جهان و ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پروفراهم می آورد .

3- جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، درامر برحق و انقلابی ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پرو و طرد خط تسلیم طلبانه ، باید قاطعانه و فعالانه در پهلوی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو ، اعضاء رزمنده حزب وتوده های به پاخاسته، پرو قرار داشته باشد . موضع درست و اصولی کمیته جنبش اساس مناسبی برای این چنین موقف گیری در سطح کل جنبش ما بوجود آورده است. حمایت از ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پرو توسط جنبش ما می تواند و باید از طرف متعدد و گوناگون پیش برده شود . طریق عمده این حمایت ، برپائی و پیشبرد جنگ خلق های دیگر در سایر کشورها توسط کل جنبش و یکایک اعضاء آن است . موجودیت و ادامه جنگ خلق در پرو يك امر بسیار خوب و عالی برای جنبش ما است . اما اینکه یازده سال پس از ایجاد جنبش ما هنوز نتوانسته جنگ خلق دیگری برپا نماید، امر خوبی محسوب نمی گردد . اینکه جنگ خلق در پرو یگانه جنگ خلق موجود در جهان ویگانه جنگ جنبش ما باقی مانده است ، کمبود بزرگ این جنگ از لحاظ بین المللی محسوب می گردد ، کمبودی که درعین حال کمبود تمام جنبش ما نیز می باشد. باید پروسه تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در سایر کشورها را بیشتر از پیش با جدیت و قاطعیت به پیش برد و در پهلوی جنگ خلق در پرو، يك ، دو ، سه و چندین جنگ خلق دیگر در جهان برپا نموده و به پیش هدایت نمود .

حزب کمونیست افغانستان درحال حاضر متعهد است که با جدی ساختن هرچه بیشتر کارویپیکار تدارکی برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان، درراه تحقق هدف متذکره مبارزه نماید. درعین حال کاملا لازم است که حمایت های بلاواسطه نیز از ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پرو توسط جنبش و اعضاء آن بعمل آید. این حمایت ها باید واقعی و عملی بوده و از اجرای اشکال تشریفاتی اباورزیده شود . حزب ما علیرغم محدودیت هایش، آنچه در توان دارد، درین عرصه نیز مضایقه نخواهد کرد .

ازجانب دیگر طرق گوناگون حمایت بلاواسطه از ادامه و پیشبرد جنگ خلق در پرو باید به مثابه يك زمینه مهم تدارکی برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق های دیگر در سایر کشورها مد نظر قرار داشته باشد . خط تسلیم طلبانه " مذاکره برای صلح " می تواند در هر کشور دیگری و در هر مرحله ای از مبارزه ، بویژه در کشورهای تحت سلطه ، و خاصتا از درون زندانها ، سربلند نماید . مبارزه جاری میان خط انقلابی و خط تسلیم طلبانه در حزب کمونیست پرو و ضرورت و امکان جدی پیروز بدر آمدن نهائی خط انقلابی درین مبارزه ، تجربه بسیار مهمی را در اختیار جنبش ما خواهد گذاشت ، تجربه ای که نه تنها جنگ خلق در پرو را استحکام و گسترش خواهد بخشید ، بلکه پروسه تدارک برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق های دیگر را نیز مدد خواهد رساند. درین معنی جنگ خلق در پرو، از مبارزه برای برپائی و پیشبرد جنگ خلق های دیگر حمایت شایسته به عمل خواهد آورد، همچنان که تا حال چنین حمایتی به عمل آورده است .

4- حزب کمونیست پرو ، از لحاظ برپائی و پیشبرد جنگ خلق و برافراشتن درفش مائوئیسم، حزب پیشرو در سطح کل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی محسوب می گردد. اما این امر نباید باعث گردد که با نادرستی های مواضع این حزب بصورت چشم بسته برخورد گردد. درینجا مشخصا دو موضع گیری نادرست حزب کمونیست پرو مد نظر ما قرار دارد: یکی طرح و قبول " تئوری سه جهان درحال شکل گیری " و نسبت دادن آن به مائوتسه دون و دیگری برخورد تاکتیکی بامسئله تحریم انتخابات .

موضع گیری نادرست اول در مخالفت با موضع بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که علیه تئوری سه جهان است و نسبت دادن آنرا به مائوتسه دون يك تهمت مي داند ، قرار دارد . حزب کمونیست پرو، یکی از تصویب کنندگان اولی بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. این حزب نباید بر مبنای معلومات بسیار اندک ویا در واقع هیچ ، موضعی اتخاذ می کرد که در مخالفت با موضع بیانیه جنبش قرار دارد .

در مورد برخورد تاکتیکی با مسئله تحریم انتخابات که در آخرین تحلیل چیزی جز برخورد تاکتیکی با پارلمانتاریزم نمی باشد، کمیته جنبش قبلاً مباحثاتی را، که مورد تأیید حزب مابوده وهست، با رفقای نیپالی براه انداخته بود. چنین مباحثاتی می تواند و باید با حزب کمونیست پرو نیز وجود داشته باشد. در واقع برخورد تاکتیکی با پارلمانتاریزم هر موقعی و برای هر حزبی می تواند راه را برای انصراف از جنگ خلق و در مرحله تدارک، انصراف از تدارک واقعی برپائی جنگ خلق باز نماید . اکنون که خط تسلیم طلبانه از درون حزب کمونیست پرو سر بیرون آورده است ، ضرورت برخورد مجدد با این مواضع نادرست ، دور انداختن آنها و اتخاذ مواضع اصولی بجای آنها، جدا عرض وجود کرده است .

به نظر ما ، حزب کمونیست پرو باید دوام و پیشبرد جنگ خلق را با تحریم استراتیژیک انتخابات پارلمانی پیوند بزند و در سطح بین المللی بجای تکیه روی تئوری سه جهان – ولو بادی متفاوت از رویزیونیست های سه جهانی – بروحدت دو مولفه انقلاب جهانی ( مبارزات پرولتری در کشورهای امپریالیستی و مبارزات آزادیبخش ملی – دموکراتیک در کشورهای تحت سلطه امپریالیزم) تکیه نماید .

پردوام و پیشرونده باد جنگ خلق در پرو !

نابود باد تسلیم طلبی !

به پیش در راه برپائی يك ، دو ، سه و چندین جنگ خلق دیگر در جهان !

به پیش در راه برپائی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان !

کمیته مرکزی حزب کمونیست افغانستان

اول می 1995 ( 1374 )



## با تمام قوا از درفش سرخمان که در پرو به اهتزاز درآمده دفاع کنیم!

### فراخوانی از سوی کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی جهت تشدید حمایت از حزب کمونیست پرو و جنگ خلق

14 سال است که حزب کمونیست پرو (یکی از احزاب شرکت کننده در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی) ، توده نهایی بی‌شمار را رهبری کرده تا تفنگ بردارند ، طبقات ارتجاعی و اربابان امپریالیست شان را به مصاف طلبند و به عنوان جزئی از انقلاب جهانی پرولتری ، قدرت سیاسی را ذره ذره از آن پرولتاریا و خلق پرو سازند. کسانی که مشتاق محو ستم و استثمار از چهره جهانند ، به درستی جنگ خلق در پرو را چراغی می بینند که راه پیشروی را نشان می دهد و گواه زنده ای از حقیقت ، شادابی و قدرت مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم است ؛ بویژه آنکه رهبری یک حزب پیشآهنگ پرولتری و حضور خیل فزاینده توده ها ، جنگ خلق در پرو را به یک نیروی عظیم مادی تبدیل کرده است .

پیروزی های عظیم خلق انقلابی پرو دست‌آورد هائی که طی مبارزات خونین و به یمن فداکاری های سترگ و بذل خون جنگاوران کمونیست ، کارگران و دهقانان پروئی از چنگ دشمن بیرون کشیده شده ، تحت حمله است . این حمله نه فقط توسط اقدامات وحشیانه رژیم ارتجاعی و کمک امپریالیسم بین المللی، که همچنین از سوی خطی انجام می شود که از درون حزب کمونیست پرو سر برآورده و دعوت به دست کشیدن از جنگ خلق می کند .

ما همه احزاب و سازمان های مارکسیست – لنینیست – مائوئیست، پرولترهای آگاه و تمامی رزمندگان انقلابی رافرا می خوانیم که با جنبش انقلابی انترناسیونالیستی صف فشرده تری تشکیل دهند ؛ و به اضطرار حمایت از جنگ خلق در پرو را تشدید کرده ، علیه خط انحرافی به نبرد برخیزند؛ در مقابل تمامی حملات از انقلاب پرو دفاع کنند ؛ از کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو که جنگ خلق را رهبری کرده پشتیبانی نمایند و وظایف انترناسیونالیستی پرولتری ما را هرچه بهتر بانجام رسانند .

پیشرفت ها و خدمات عظیم جنگ خلق و حزب کمونیست پرو به انقلاب جهانی ، ضربات آشکاری بر طبقه ارتجاعی حاکم و اربابان امپریالیستی اش، بویژه امپریالیست های یانکی ، وارد آورد. عکس العمل دشمنان ، تشدید اقدامات ضد چریکی علیه جنگ خلق و سرکوب هرچه بیشتر توده های پروئی بود . این کار در ابعاد کشتار جمعی به پیش برده شد : از قتل عام و " مفقودالایر" کردن توده ها در شهروروستا گرفته تا کشتار جمعی رزمندگان انقلابی در زندان ها. اما جنگ خلق همچنان به پیشروی ادامه داد و در ابتدا دهه 1990 امپریالیست ها و مرتجعین علنا دربارہ خطری صحبت کردند که جنگ خلق مائوئیستی با نزدیک شدن به پیروزی کامل و کسب قدرت سراسری در پرو برای آنها ایجاد کرده بود . امپریالیست ها و طبقات حاکمه پرو به اقتضای طبیعت خود عکس العمل نشان داده و توسط رژیم فوجیموری دست به کودتا زدند . این کودتا بیانگر تمرکز بیشتر قدرت دولت ارتجاعی در دست قوه مجریه و نیروهای مسلح بود . آنها سرکوب توده ها و رهبری انقلابی شان را تشدید نموده و بطور کلی استثمارگران و دهقانان را نیز شدت بخشیدند. این اقدامات بشکل فشرده در تلاش برای نابودی رهبری حزب کمونیست پرو و جنگ خلق ظاهر شد . در سپتامبر 992 ، این حرکت به دستگیری صدرگونزالو ( رهبر اصلی حزب کمونیست پرو)

انجامید. شماری از دیگر رهبران مهم حزب نیز اسیر شده و یا طی چند سال اخیر کشته شده اند. صدر گونزالو در سخنرانی تاریخی و الهام بخش 24 سپتامبر 1992 که در اسارت رژیم فوجیموری، از درون قفس و در برابر رسانه های گروهی جهان ایراد نمود، اعلام کرد که دستگیری وی فقط پیچی در جاده مبارزه انقلابیست و جنگ خلق باید بخاطر منافع توده ها درپرو و خدمت به انقلاب جهانی پرولتری، تا پیروزی نهایی ادامه یابد. اواز اهمیت احزاب مارکسیست-لنینیست - مائوئیست رشد یابنده در سراسر جهان سخن گفت، خواهان توجه ویژه به نقش جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شد، و براین دورنما و نیاز تاکید نهاد که مائوئیزم باید فرمانده و رهنمائی موج فراز یابنده انقلاب جهانی شود.

جنگ خلق علیرغم پیچی که در جاده ایجاد شده بود، ادامه یافت. حزب کمونیست پرو تحت رهبری کمیته مرکزی حزب، با تاکید مجدد بر مبنای وحدت حزب و با نیرو گرفتن از سخنرانی صدر گونزالو، با استواری بر اصول و انعطاف در تاکتیک ها، تلاش های دشمنان برای درهم شکستن انقلاب را عقب رانده و جنگ خلق را تحت شرایط نوین توسعه داد؛ و حزب و ارتش رهائی بخش خلق و هسته اصلی مناطق پایگاهی را محافظت نمود. در سطح بین المللی، جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در دفاع از جان صدر گونزالو یک کارزار جهانی برپا کرد و دهها هزار از انقلابیون و ترقی خواهان پنج قاره را بسیج نمود. آنها با اقدامات خود به رژیم فوجیموری و اربابان آمریکایی اش ضربه زدند و خلق مبارز پرو را دلگرم کردند.

در چنین اوضاعی بود که یکسال بعد، فراخوانی برای انجام مذاکرات ارائه شد تا " توافق صلحی بدست آید و بر جنگ خلق سیزده ساله نقطه پایان نهاده شود ". رژیم فوجیموری این فراخوان را به صدر گونزالو نسبت داد. کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو وعده نمود که جنگ را ادامه دهد؛ و رژیم را بخاطر جعل و پخش اکاذیب محکوم کرد. گروهی از افرادی که تا ریکا با حزب کمونیست پرو مربوط بودند و نقطه تمرکز شان عمدتاً در زندان ها بود، هرچند حد اقل از حمایت برخی اعضاء و هواداران حزب در بیرون زندان و خارج از کشور برخوردار بودند، کل حزب را دعوت کردند که " جهت دستیابی به توافق صلح نبرد کنید ". بنابراین سریعاً آشکار شد که یک مبارزه دو خطی درون حزب کمونیست پرو براه افتاده که کانون آن مسئله توافق صلح است، اما یک رشته مسایل کلی که مقابل پای انقلاب درپرو و جهان قرار دارد را هم در بر میگیرد. بعد از اینکه اسناد دیگری ارائه گشت و در آنها بحث های هشدار دهنده ای مشاهده شد که اصول پایه های مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و مواضع تثبیت شده جنبش انقلابی انترناسیونالیستی زیر سوال رفته بود، این ارزیابی اولیه بیشتر تقویت شد.

از آن جا که جنبش کمونیستی همواره یک جنبش بین المللی است، براه افتادن مبارزه دو خطی که مهمترین مبارزه در جهان امروز را تحت تاثیر قرار می دهد، نمی توانست معانی جدی برای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی نداشته باشد. اهمیت این مسئله با توجه به خدمات عظیم حزب کمونیست پرو به تکامل سیاسی و ایدئولوژیک جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، بویژه طی مبارزه اوج یابنده اخیر حول تصویب مارکسیزم - لنینیزم و اتحاد در سر آن برجسته ترمی شود. مسلماً مبارزه دو خط جاری مهمترین مبارزه ای است که جنبش ما از زمان تاسیس بسال 1984 با آن مواجه شده است. این یک مبارزه خطی است که سرانجامش نه فقط تکامل آتی انقلاب در پرو را رقم خواهد زد، بلکه نتایج عظیمی برای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و کل جنبش بین المللی کمونیستی در بر دارد.

تحت چنین شرایطی، جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ناگزیر بود که نه فقط به حمایت از جنگ خلق در پرو ادامه دهد بلکه باین مبارزه دو خط نیز بپیوندد: تحقیق، مطالعه، بحث و مبارزه ضروری برای دستیابی به یک شناخت صحیح و همه جانبه از کلیه مسایل درگیر باید به پیش برده می شد و

براین پایه ، قدرت مندترین حمایت از خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و رفقای که در پرو عامل این خط هستند ، بعمل می آید .

مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم باید در مورد مسایل درگیر در مبارزه بکار گرفته می شد. این شامل بررسی تاریخی مذاکرات در جنبش بین المللی کمونیستی (نمونه های مثبت و منفی) و نیز بررسی طرق دیگری غیر از مذاکره بود که جنبش کمونیستی در پاسخ گوئی به پیچ و خم های مهم مبارزه انقلابی در پیش گرفته است. ضروری بود که اصول پایه ای مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی جنگ خلق عمیقاً مورد مطالعه قرار گرفته و به کار بسته شود. کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بر این مبنا دو معیار اساسی را برای ارزیابی از فراخوان توافق صلح به پیش گذاشت :

آیا مذاکرات پیشنهادی ، علیرغم اینکه جنگ چه مراحل یا چرخش های احتمالی را از سر می گذراند ، بوظیفه کسب قدرت سیاسی از طریق جنگ انقلابی خدمت می کند ؟ یا اینکه قصد رجعت باوضاع ماقبل جنگ ، پیش از سال 1980 را دارد ؛ یعنی دو راه طولانی که طی آن هیچگونه مبارزه مسلحانه انقلابی جریان نداشت .

با اینکه ضرورت بعضی سازش ها ممکن است ثابت شود ، اما آیا مذاکرات پیشنهادی از آنچه مائو " منافع اساسی خلق " نام نهاد محافظت می کند ؟ منظور از " منافع اساسی خلق " هسته اساسی قدرت خلق و نیروهای مسلح انقلابیست .

با در نظر داشت این دو معیار تحقیقات همه جانبه ای به پیش برده شد و تا آنجا که امکان داشت شماری مسایل عمیقاً مورد بررسی قرار گرفت شعار :

- اوضاع عینی در پرو و در چهارچوب اوضاع جهانی .
  - نقاط قوت و ضعف دو نیروی متخاصم در جامعه پرو : در یک طرف توده ها و مبارزه انقلابی آنها که در عالیترین شکل خود یعنی جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو جریان دارد ، و در طرف دیگر ، " سه کوه " امپریالیزم ، فئودالیزم و سرمایه داری بوروکرات که اینک توسط رژیم فوجیموری حکم می راند .
  - تحولات و مبارزات درونی حزب کمونیست پرو .
  - نقش و موضع واقعی صدر گونزالو در ارتباط با فراخوان توافق صلح ، و نیز شرایط اسارت و نحوه رفتار با وی که در جنگ رژیم فوجیموری اسیر است .
  - محتوا و هدف فراخوان و وضعیتی که بر مبنای متن فراخوان باید در نتیجه مذاکره برقرار شود .
- هدف از این تحقیقات ، مشخص کردن این بود که در میان طرفداران مذاکره آیا موضعی وجود دارد که نخواهد همه دست آورد های به سختی حاصل شده جنگ خلق را تسلیم کند ؟ حتی با وجود اینکه نوعی عقب نشینی موقت و قسمی از سوی نیروهای انقلابی و شاید نوعی توافق رسمی با طرف مقابل را در برداشته باشد. آیا چنین موضعی وجود دارد که نخواهد ارتش خلق را منحل کند و از مناطق پایگاهی جنگ خلق دست بشوید ؟ حتی اگر نیاز به عقب کشیدن موقت از برخی مناطق معین باشد . بطور خلاصه ، تحقیقات برای این بود که ببینیم آیا چنین موضعی منجر به دست کشیدن از مسیر انقلابی می شود ؛ یا اینکه همچنان کل پروسه جنگ خلق را ازدل پیچ و خم ها ناگذیر به پیش هدایت می کند ؟ لازم بود که جوانب ذهنی و عینی مسئله مورد ارزیابی قرار گیرد: نیات کسانی که فراخوان مذاکرات را تبلیغ می کنند چي بوده است ؟ و در هر صورت ، آیا این فراخوان هیچ انطباقی با اوضاع عینی ، با نیازهای توده ها و مبارزه انقلابی در مقطع کنونی دارد یا نه ؟ و آیا هیچ پایه ای ( بلحاظ آزادی و ضرورت اردوی انقلابی را یکسو ، و اردوی ارتجاع از سوی دیگر ) برای دستیابی به یک توافق صلح وجود دارد که بیانگر دست شستن از مسیر انقلابی و وجه المصلحه قرار دادن منافع اساسی خلق نباشد ؟

مطالعه و شناختن عمیقتر موضع و تحلیل کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو در باره سوالات مربوطه حایز اهمیت بسیار بوده است .

### نتیجه گیری ها

از دل این پروسه ، کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به نتایج زیر دست یافته است :

1- از لحاظ عینی و علیرغم هر نیتی که مدافعان فراخوان مذاکره جهت دستیابی به توافق صلح داشته باشند ، و علیرغم استدلالات یا توجیهاتی که در دفاع و تشریح این فراخوان مطرح شده ، چنین فراخوانی ارائه دهنده يك سازش ضروري و موجه نبوده ، بلکه منافع اساسی خلق را وجه المصالحه قرار می دهد و به معنای دست کشیدن از جنگ خلق و راه انقلابی است .

2- مفاد مشخصی که برای توافق صلح پیشنهاد شده و " پیشنهاد یازده نکته ای " نام گرفته ، به خلع سلاح ارتش رهایی بخش خلق و منحل کردن مناطق پایگاهی می انجامد ، ثمرات انقلاب را بطور جدی به باد داده و توده ها را به مراحم طبقات ارتجاعی و نیروهای مسلح آنها حواله می دهد .

3- استدلالات یا توجیهاتی که در دفاع و تشریح این فراخوان مطرح شده ، در ضدیت با امکان واقعی حفظ جنگ خلق در پرو و پیشبرد آن تا کسب پیروزی قرار دارد . این بحثها علیه آموزه های اساسی مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم در باره نیاز و امکان توسعه جنگ دراز مدت خلق و کسب قدرت سیاسی از این طریق است .

4- در مفهومی اساسی ، جنگ انقلابی تحت رهبری پرولتاریا هنگامی که آغاز شد باید تا شکست یکی از طرفین متخاصم ادامه یابد . شعله این جنگ را نمی توان نظیر یک تاکتیک فشار صرف جهت کسب امتیاز از دولت ارتجاعی ، به دلخواه روشن و خاموش کرد . ابزار و اهداف نیروهای مارکسیست – لنینیست – مائوئیست اساساً با اهداف و ابزار جنگی طبقات دیگر متفاوت است . حتی زمانی که جنگ آن طبقات علیه دولت ارتجاعی است ، هدف نابودی کامل این دولت و برقراری حاکمیت توده ها را دنبال نمی کند و نمی تواند بکند .

پیچ و خمهای مبارزه انقلابی ، نقاط قوت و ضعف نسبی اردوهای متخاصم ، تغییرات در اوضاع عینی و امثالهم ، برخی اوقات انجام تنظیمات مناسب در استراتژی و تاکتیکها ، منجمله عقب نشینی یا پیشروی ، را برای کمونیستها ضروری می سازد . در برخی موارد این تنظیمات ضروری ، جلوه نظامی پیدا می کند ؛ نظیر راه پیمائی طولانی تحت رهبری مائو در جریان انقلاب چین در موارد دیگر ، کمونیستها مذاکرات یا حتی رسیدن به توافقات ممکن با طبقات ارتجاعی حاکم را بعنوان تاکتیک می تواند در چارچوب یک استراتژی و دورنمای صحیح انقلابی ، امکان پذیر و ضروری بوده و نتیجه ای از تکاملات مشخص مبارزه انقلابی باشد ، رد نمی کنند .

با این وجود ، در شرایط کنونی و با توجه به مناسبات نیروهای طبقاتی پرو در این مرحله ، از نقطه نظر پرولتاریا هیچ نیازی و هیچ مبنای صحیحی برای مذاکراتی که خاتمه جنگ خلق بینجامد وجود ندارد . هیچ مبنای ( به لحاظ آزادی و ضرورت اردوی انقلاب از یکطرف و اردوی ارتجاع از طرف دیگر ) برای دستیابی به توافق صلحی که به معنای دست کشیدن از راه انقلابی و وجه المصالحه قرار دادن منافع اساسی خلق نباشد ، وجود ندارد . تحت چنین شرایطی ، رژیم فوجیموری و بطور کلی طبقات حاکمه پرو و اربابان امپریالیست آنها فقط يك نوع توافق صلح را می توانند قبول کنند : توافقی در مورد خاتمه جنگ در چارچوبی که به پروسه انقلاب در پرو نفع نرسانده ، بلکه به آن لطمه خواهد زد . بنابر این پیشنهاد توافق صلح برای خاتمه جنگ فقط می تواند به اپورتونیزم منتهی شود و باید با آن نبرد کرد .

5- اوضاع بین المللی کنونی را دوره ای از صلح در سطح جهانی و رفع درگیری ها رقم نمی زند . توافقات صلح نظیر آنچه در فلسطین بدست آمده بازتاب تلاشهای امپریالیستها است برای

جذب نیروهای غیر پرولتري ( نظیر ناسیونالیست ها و روبریونیست ها ) بعنوان ژاندارم های " نظم نوین جهانی " که امپریالیزم امریکا ادعای آن را دارد . اینگونه توافقات صلح ، خلق را نشانه رفته است . مبارزه راستین انقلابی تحت رهبری مارکسیست - لنینیست - مائونیست ها بیانگر منافع اساسی پرولتاریا و خلقهای ستمدیده بوده و امپریالیزم و ارتجاع جهانی تبهکارانه به ضدیت با آن ادامه خواهند داد .

اوضاع کنونی جهان ، علیرغم جوانب متناقضش ، برای آغاز توسعه و پیشروی مبارزه مسلحانه انقلابی جهت کسب قدرت مساعد است . فروپاشی اتحاد شوروی ( و بلوک شرق به همراه آن ) فروپاشی یک ابرقدرت ارتجاعی سوسیال امپریالیستی یک دشمن بزرگ انقلاب جهانی پرولتري بود و معنایش این نیست که خلق باید مبارزه انقلابی اش را متوقف کند یا به تعویق اندازد .

6- دولت ارتجاعی پرو نماینده امپریالیزم ، فئودالیزم و سرمایه داری بوروکرات در آن کشور ، و ابزاری در دست اربابان یانکی است . دولت ارتجاعی هیچ راه حل دراز مدتی برای بحرانی که با آن دست به گریبان است ، ندارد و فقط می تواند استثمار ، ستم و فلاکت بیشتری رابه توده های خلق عرضه کند . فقط انقلاب دموکراتیک نوین و متعاقب آن پیشروی بسوی سوسیالیزم است که می تواند پرو را نجات دهد .

7 - صدر گونزالو همچنان در شرایط فوق العاده حبس در چنگال رژیم ارتجاعی بسر می برد . او حق تماس با وکلایش را ندارد و در سلول انفرادی بسر می برد . تا بحال تقاضای ملاقات پنج هیئت شناخته شده بین المللی با صدر گونزالو رد شده و رژیم لاف می زند که اخبار و اطلاعاتی برای وی " جیره بندی و دست چین " شده است . رژیم فوجیموری بخاطر کشتار ، دروغ پردازی ، تقلب و شکنجه جسمی و روحی زندانیان جنگی رسوایی خاص و عام است . تحت چنین شرایطی هیچکس نمی تواند قبول کند که تماسهای غیر مستقیم و تایید نشده ای که به صدر گونزالو نسبت داده شده ، بیان کننده طرز تفکر وی باشد . ونبرد برای خاتمه حبس انفرادی او باید ادامه یابد . روشن است که خط مذاکره ، خلاف خط پایه ای حزب کمونیست پرو است که جنگ خلق را به پیش هدایت کرده و تحت رهبری صدر گونزالو ساخته و پرداخته شده بود . این مسئله مهمی است که به کوششهای خود برای مشخص کردن نظرات کنونی صدر گونزالو ادامه دهیم . هر چند مسئله کلیدی ، خط است و نه تدوین کننده آن .

خدمات عظیم صدر گونزالو به تکامل خط حزب کمونیست پرو برای انقلاب آن کشور در جریان فشرده کردن تجربه و دانش کل حزب و رهبری آن به عنوان بخشی از جنبش بین المللی کمونیستی انجام گرفته است . خط مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی که توسط حزب کمونیست پرو تحت رهبری صدر گونزالو ساخته و پرداخته شده ، هم محصولی از مبارزه توده های میلیونی است و هم توده ها را بیش از پیش قادر می سازد که تاریخ را بدست خویش گیرند و جهان را دگرگون کنند . رژیم با حبس انفرادی صدر گونزالو ، دقیقاً همین پروسه " از توده به توده " و زنجیر شناخت حزب که متکی بر سیستم سانترالیزم دموکراتیک است را در تنگنا نهاده است . این یکی از دلایل اصلی است که چرا باید نبرد برای ملاقات وی تا کسب پیروزی به پیش برده شود .

8 - کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو بخاطر ضدیت قاطعانه ، بیباکانه و صحیحش با خط اپورتونیستی راست که برای جنگ خلق در پرو شکست ببار می آورد و باعث عقب گردی جدی باری کل جنبش بین المللی کمونیستی می شود ، درود می فرستد . کمیته مرکزی با استواری و شجاعت جنگ خلق را در بحبوحه شرایط دشواری که به واسطه دستگیری صدر گونزالو و سایر ضربات بر پیکر حزب ایجاد شده بود ، به پیش برده است . بزرگ ترین مشکل پیش پای حزب همین خط اپورتونیستی راست و عملکرد مبلغین آن است .

این وظیفه انترناسیونالیستی کل جنبش ما و نیز کمیته آن بعنوان مرکز سیاسی چنین جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است که با تمام قوا به پیشبرد مبارزه دوخط علیه خط اپورتونیستی راست که از مذاکره جهت دست یابی به توافق صلح دفاع می کند، خدمت نماید؛ با کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو جهت پیشبرد این مبارزه د وخط بر مبنائی قدرت مند و به موثرترین وجه همکاری نماید؛ بر این مبنای تقویت رهبری و خط مارکسیست – لنینیست – مائوئیستی کمک کند که هدایت کننده و پیشبرنده جنگ خلق پرو در گذر از پیچ و خمها بسوی کسب سراسری قدرت سیاسی و هدف غائی کمونیسم در سطح جهانی است .

9 – جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از زمان تاسیس خود بسال 1984 با حزب کمونیست پرو پیوند ناگسستنی داشته است . حزب کمونیست پرو مهم ترین مبارزه انقلابی در جهان امروز را رهبری کرده و راه درخشان جنگ خلق را در برابر چشم جهانیان فروزان نموده است . این جنگ در تمامی قاره ها پژواکی بر طنین یافته است ؛ زیرا حزب کمونیست پرو مبارزه اش را آگاهانه و مصمم بعنوان بخشی از مارش انقلاب پرولتاریای جهانی بسوی کمونیسم به پیش برده و آن را بعنوان بخشی حیاتی از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که مرکز سیاسی در حال تکامل برای جنبش بین المللی کمونیستی است انجام داده است .

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که بر پایه مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم متحد شده ، محکمتر از هر زمان دیگر با رفقای حزب کمونیست پرو عقد اتحاد بسته ، بر حمایت ما از آنها مجددا تاکید کرده و مصمم است که مسئولیت هایش را به انجام رساند . کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی کل این جنبش و نیروهای مارکسیست – لنینیست – مائوئیست سراسر جهان را فرا می خواند که نبرد جهت دفاع از جنگ خلق در پرو و حمایت از رفقای حزب کمونیست پرو را در مبارزه شان بخاطر حفظ دستاورد های انقلابی ، شکست خط اپورتونیستی راست و پیشروی بسوی کسب پیروزی سراسری بعنوان بخشی از انقلاب جهانی پرولتاری تشدید کنند . کسانی که توسط خط اپورتونیستی راست دچار اغتشاش فکری شده ، یا از جاده انقلاب منحرف شده اند ، باید این خط را طرد کرده و با لطماتی که این خط و مدافعانش ببار آورده اند به ضدیت و مقابله برخاسته و دوباره به راه انقلابی باز گردند . باشد تا نبرد علیه خط اپورتونیستی راست کوره داغی شود که اتحاد عظیم تر جنبش مارا حدادی کند و فولاد جنبش را با عالی ترین کیفیت آبدیده کند . باشد تا کوره مبارزه دو خط ، مدرسه بزرگ مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم شود ، تفاوت بین مارکسیزم واقعی و دروغین را به نمایش گذارد و به انقلابیون سراسر جهان کمک کند که ضروریات زمانه را درک کنند و وظایف شان را به انجام رسانند.

از کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو حمایت کنید !  
 زنده باد مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم ، مرگ بر خط اپورتونیستی راست !  
 از جنگ خلق در پرو پشتیبانی کنید !  
 از جان صدرگونز الودفاع کنید ، برای خاتمه حبس انفرادی او نبرد کنید !

28 مارس 1995

کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

## دوراه متضاد:

## انقلاب یا سازش

یا امپریالیست ها را روانه گورستان می کنید ؛ یا با آنها به مصالحه می نشیند

جنگ انقلابی و سازش ناپذیر خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو درکوه و جنگل جریان دارد و نظم کهن را به مصاف می طلبد . دولت پوسیده ، طبقات ارتجاعی و مشاوران امپریالیست آنها اقدامات خود را برای نابود کردن جنگ خلق هماهنگ کرده اند . اما همچنان از درفش سرخ و درخشان انقلاب ، جانانه و بی باکانه دفاع می شود؛ اخگر های سرخ و فروزان آینده کمونیستی چشم دشمنان جنگ خلق را کور می کند؛ و شلیک تفنگ ها جسورانه اعلام می کند که راه مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی ، تنها طریق رهایی پرولتاریائی بین المللی و توده های خلق در سراسر جهان از شر فلاکت و ستم است .

چه تفاوت عمیقی است میان این راه شجاعانه و رهایی بخش و باصطلاح " اقدامات مسالمت آمیزی " که با حمایت امپریالیست ها براه افتاده و در پی فرونشاندن شعله شورش های توده ای در نقاط گوناگون جهان است ! حال که بلوک شوروی یعنی یکی از رقبای اصلی در نظام امپریالیستی رخت بر بسته ، امپریالیست ها فعالانه و بکمک رهبران سازشکار جنبش های اصلاح طلبانه می کوشند درگیری های دیرینه را خاتمه دهند تا نظام منحنط جهانی خود را در بحبوحه بحران رشدیابنده جهانی ثبات بخشند . بطور مثال ، یک وجب خاک را تحت عنوان فلسطین به دلالتان تحت الحمایه خود در " سازمان آزادیبخش فلسطین " فروخته اند و امروز می بینیم که گلوله های لاستیکی از تفنگ اینها بسوی توده ها شلیک می شود؛ یا در افریقای جنوبی که کشور مستعمره است می بینیم که یک قشر ممتاز سیاه توافقی نموده به حک و اصلاح حاکمیت مستعمراتی و خشن نژاد پرستان سفید کمک کند . در این نمونه هایک حقیقت تلخ به چشم میخورد : توده ها کاملاً وجه المصلحه قرار گرفته اند و وضع تحتانی های جامعه وخیم تر از پیش گشته است .

راه سازش و مصالحه به هیچ وجه طریق جدید خلاصی از این مرداب امپریالیستی نیست . البته گاهی اوقات آن را با عطر اصلاحات بوژوا دموکراتیک عرضه می کنند تا تعفن ستم و استثمار را بیوشانند ستم و استثماري که دیگر توده ها بر آن آگاهی دارند و هر روز با آن مبارزه می کنند . راه سازش و مصالحه برای خلق هیچ چیز به ارمغان نمی آورد مگر رنج و مشقت بیشتر . این راه غرق شدن در مرداب امپریالیستی است . وضع مصیبت بار در مناطق انفجاری جهان همه روزه این واقعیت را بوضوح نشان می دهد . هیچ مثالی روشنتر از وضع مکزیک بحران زده نیست . در آن کشور فقط یک استراتیژی واقعا انقلابی می تواند از له شدن مردم زیر چکمه های امپریالیست ها و دولت کارگزار شان جلوگیری کند . دولت مکزیک می کوشد نان شب میلیون ها توده روستائی و غیر روستائی را بفروشد تا بانک های امپریالیزم یانکی را چاق و چله کند . دولت مکزیک تاکتیک های دو گانه را بکار می بندد . از یک طرف ، " مذاکره صلح " را نیم بند جلو می برد و از طرف دیگر ، ارتش وحشی نومستعمراتی را به جنگ دهقانان شورشی می فرستد .

به نمونه پرو نگاه کنیم : جنگاوران انقلابی ارتش خلق در آن کشور ، جنگ خود را با نیروی محدودی آغاز کردند . آنها فقط به یک خط صحیح مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی مسلح هستند و تفنگ های که از چنگ دشمن ربوده یا خود ساخته اند . خواب و خوراک آنها را دهقانان و توده های زحمتکش تامین می کند . این جنگاوران انقلابی بخاطر پشتیبانی و اتکاء به خلق توانسته اند با هر واقعه ای مقابله کنند . آنها به نمایندگی از سوی طبقه ما ، پرولتاریائی بین المللی ، راه کاملاً متفاوتی را پی ریزی کرده اند . این ارتش و حزبی که رهبر آن است ، با ناسیونالیست ها و رویزیونیست های که پشت میز مذاکره چک و چانه می زنند تفاوت دارد؛ زیرا یک ایدئولوژی

طبقاتی متفاوت راهنمای آنها است. رهبری حزب کمونیست پرو فراخوان مصالحه با طبقه حاکمه که بعد از دستگیری صدر گونزالو در صفوف حزب داخل شد را رد کرده است. این فراخوان، راهی خطرناک است که به توهمات دامن می زند. این فراخوان، خیانت به منافع اساسی خلق در پرو و در سراسر جهان است. کثیف ترین ارتش های جهان، رسانه های دروغ پرداز و دام چاله های " مصالحه " و طرفداری از امپریالیزم که برای فریفتن انقلابیون سابق بر پا شده، اردوی متحدین را علیه جنگ خلق بر پا داشته اند. کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو شجاعانه در حال پشت سر نهادن پیچ و خم هائی است که در جریان مقابله با این اردوی متحد، بناگذیر بر سر راه جنگ انقلابی سبز می شود.

حزب کمونیست پرو بخشی از " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " است؛ جنگ خلق در پرو مهم ترین و عمیق ترین مبارزه انقلابی در جهان امروز است. این جنگ بر همان دورنمایی متکی است که اول ماه مه ( روز بین المللی کارگران ) به ستم دیدگان سراسر جهان ارائه می دهد: آینده عاری از بردگی مزدی و تمایزات طبقاتی؛ عاری از امپریالیزم و نوکران مرتجع خونخوارش. در جهان امروز که با فرصتهای آشکارا مساعد انقلابی رقم می خورد، دوره وجود دارد: طلب مغفرت از حکام خون آشام و در مانده جهان بجای تلاش همه جانبه برای سرنگون کردن آنها و نظام پلیدشان؛ یعنی راهی که به تضعیف نیروی انقلابی توده ها و بیش از حد قوی جلوه دادن امپریالیست ها خدمت می کند. ویا گزینش راه انقلاب در مقابل سازش؛ راهی که حمایت جانانه از حزب کمونیست پرو و جنگ خلق تحت رهبری اش را می طلبد؛ سرمشق قرارداد این حزب و این جنگ را طلب می کند؛ باید درفش سرخ انقلاب مائوئیستی که اینک در کوهستان آند به اهتزاز درآمده را در بحبوحه تلاطمات و شورش های که در سراسر جهان سربلند می کند، برپا داریم.

مبارزه برای انجام انقلاب را در سراسر جهان تشدید کنید!  
 با تمام قوا از درفش سرخ مان که در پرو به اهتزاز درآمده دفاع کنیم!  
 از حزب کمونیست پرو پشتیبانی کنید!  
 زنده باد مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم!  
 از جان صدر گونزالو دفاع کنید!  
 برای خاتمه حبس انفرادی او نبرد کنید!  
 زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!

**کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی**

اول ماه مه 1995

( باز تایپ کننده " حبیب " )